

وچوه تمایز جامعه گروه یا دسته:

از دیدگاه تحقیقات اجتماعی هر گروه یا جامعه یا قبیله دارای آرمان‌ها، مفهوم، ارزش‌ها، احساس‌ها و باورهای مشترکی هستند که در پرتوی آن به یک جایگاه یا موقعیت اجتماعی نزد سایرین دست می‌یابند.



این موضوع در جوامع حرفه‌ای بارزتر بوده و برخی ویژگی‌های آنان از قبیل تخصص‌گرایی، خود انتظامی و آیین‌نامه اخلاقی، کاملاً قابل تشخیص و تمایز است. اعضای جوامع حرفه‌ای به تبع حرفه خود دارای نقش و مأموریت‌هایی هستند و انتظار عموم از آنان این است که متعهد به ایفاء تعهدات خود باشند.

۲- نقش و جایگاه:

افراد یک اجتماع به تبع فعالیت‌های اجتماعی‌شان نقش‌های گوناگونی همانند نقش پدر، هوادار، حسابدار و مهندس بر عهده می‌گیرند. حول هر نقش دسته‌ای از هنجارها قواعد و ارزش‌ها شکل می‌گیرد که چگونگی رفتار را تعیین می‌کند و عدول از هنجارها و قواعد هر نقش مستوجب مجازات یا طرد شدن است. جامعه‌پذیری به معنی آمادگی افراد برای به عهده گرفتن نقش‌هاست که بر مبنای فرآیند یادگیری شکل می‌گیرد، درک شخص از نقش و جایگاهی که در آن قرار می‌گیرد از عوامل کلیدی است که باید به درستی برای اعضای یک جامعه تبیین شود. در ارتباط با نقش‌ها دو مفهوم نقش‌ستیزی و نقش‌گریزی وجود دارد. نقش‌ستیزی هنگامی است که فرد درمی‌یابد نقش‌هایی که بر عهده دارد خواسته‌های ناسازگار یا متعارض دارند و نقش‌گریزی نیز به معنی دور افتادن شخص از نقشی است که بر عهده می‌گیرد.

۳- روشنفکر:

تعاریف گوناگونی از روشنفکر وجود دارد. وجه اشتراک تمامی این تعاریف داشتن دغدغه‌های انسانی یا اجتماعی است که باعث می‌شود در مباحث و مسائل مهم جامعه خویش موضع‌گیری کند. روشنفکر به کار فکری اشتغال دارد و عموماً دانش، عقاید و عملکردشان با برخی از هنجارهای پذیرفته شده اجتماع فارغ از درستی یا نادرستی آنها ناسازگار است.

۴- فن‌سالار:

فن‌سالار کارشناسی است که دارای عقاید صرف فنی است. حرفه فن‌سالار مستلزم کسب دانش و فراگرفتن تجربه‌های انباشته گذشتگان است که با هیچ یک از هنجارهای پذیرفته شده جامعه تعارض ندارد. فن‌سالار عموماً با اقبال عمومی روبه‌رو می‌شود و به دلیل ندانستن درگیری با هنجارهای رایج و به ویژه دولت‌ها معمولاً سهم مناسبی از ثروت به آنان تعلق می‌گیرد.

۵- وجوه تمایز بین روشنفکران و فن‌سالاران:

تمایز بین روشنفکر و فن‌سالار در دو مقوله، تفاوت در سازگاری با هنجارهای پذیرفته شده اجتماع و تفاوت در برخورداری از ثروت است. تعارض روشنفکران با برخی هنجارها موجبات مخالفت برخی گروه‌ها و نهادها یا حکومت را به همراه داشته، بنابراین از بخشی از ثروت مستحق محروم می‌شوند. اینها معمولاً در طبقات متوسط یا پایین قرار دارند. روشنفکران جلوتر از عامه حرکت می‌کنند و از خلاقیت بیشتری نسبت به فن‌سالاران که بیشتر دغدغه رفع نیازهای فعلی جامعه را دارند برخوردارند. فن‌سالاران به زبان تخصصی و پیچیده سخن می‌گویند و معماری نوشتار آنان بیشتر استاندارد و تابع قوانین و قواعد خاصی است حال آنکه روشنفکران به زبان عامه مردم و معمولاً ساده می‌گویند و نوشتار آنان عاری از حصارها و قواعد و قوانین است. نگاه روشنفکران به جامعه و انسان احساسی و نگاه فن‌سالاران ماشینی است.

۶- وضعیت حسابداران:

تطابق وضعیت حسابداران با ویژگی‌های دو قشر یادشده بالا را می‌توان از دو طریق انجام داد. یکی تعیین مصادیق از بین اشخاص تاثیرگذار حرفه در جهان و دیگری از دیدگاه حرفه، ویژگی‌ها و عقاید دانش حسابداری که در اینجا از دیدگاه دوم به تعیین جایگاه حسابداران پرداخته می‌شود. عقاید، اصول، روش‌ها رویه‌ها و عملکرد حسابداران و حرفه حسابداری مولفه‌های تاثیرگذار بر تعیین جایگاه اجتماعی آنان به عنوان روشنفکر یا فن‌سالار است.

۷- شاخص‌های روشنفکری در حسابداری:

برخی شاخص‌ها هستند که حسابداران را در زمره روشنفکران قرار می‌دهند. مفهوم افشا در حسابداری تلاکیدی بر حق دانستن برای اشخاص ذی‌نفع است. موضوعی که تنها در یک بستر فرآیند مردم سالار شکل می‌گیرد و برگرفته از تفکری است که به گونه‌ای متفاوت به مردم سالاری می‌اندیشد. این موضوع از مترقی‌ترین مواردی است که موجب شده حسابداری در زمره دانش‌هایی قرار گیرد که به تکریم انسان‌ها کمک می‌کند. حسابداران رسمی به هنگام گواهی‌گری صورت مالی، انصاف را معیار قضاوت قرار می‌دهند. اصل انصاف برای تبیین و احصای اقتضائاتی به کار می‌رود که الزاماتی متمایز از وظایف طبیعی هستند. در صورتی که نظریه عدالت به مثابه انصاف را بپذیریم آنگاه نقش گواهی‌گری و گزارش منصفانه اطلاعات به عنوان یک کارکرد روشنفکری نمایان می‌شود و برقراری عدالت از دیرینه‌ترین آرزوهای روشنفکران است. فراهم کردن زمینه مشارکت آحاد جامعه یکی از وظایف کارکردی روشنفکران است. مشارکت درگیری

ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یاری دهند و در مسوولیت کار شریک شوند. مشارکت فرآیندی است که از راه آن انسان‌ها به دگرگونی دست می‌یابند و در خود دگرگونی پدید می‌آورند و با دگرگونی، بودن‌های خود را به شدن‌های دلخواه تبدیل می‌کنند.

این امر باعث می‌شود مشارکت را در قالب پیامدهای مقداری آن ننگریم بلکه به پیامدهای کیفی و معنوی آن که گاهی پنهان و بیرون از اندازه‌گیری مقداری است توجه کنیم. فرآیند مشارکت را به یک معنی می‌توان فرآیند نیرومند سازی و قدرت بخشیدن نامید که بر سه ارزش بنیادی تأکید دارد:

- ۱- سهیم کردن مردم در قدرت و اختیار ۲- فراهم کردن امکان نظارت بر سرنوشت خویش برای مردم.
- ۳- ایجاد فرصت‌های پیشرفت برای اقشار پایین جامعه. حسابداران از طریق ارائه اطلاعات یا تأیید منصفانه بودن اطلاعات سعی در حفظ استفاده‌کنندگان بالمفعول و جلب نظر اشخاص بالمقوه دارند. حمایت خبگان حرفه حسابداری و مدیران موسسات بزرگ حسابرسی از حرفه‌گرایی و تشکیل موسسات قدرتمند موجب شکل‌گیری سازمان‌هایی شده که دارای نوعی انسجام داخلی هستند. تفکر خردگرایی مبتنی بر کل طبقه که جایگزین فردگرایی شرکت‌ها شد، باعث انسجام اجتماعی اعضا و تعهد آنها به منافع خاص شد و آنان را از فن‌سالار به رویشفکر ارتقا داد. میثاق رجحان محتوا بر شکل، انطباق کاملی با پیشینه فکری و ایدئولوژیک رویشفکران دارد که بیشتر از شکل ظاهری پدیده‌ها به محتوا و باطن آنها می‌پردازند.

۸- محافظه‌کاری یا احتیاط :

که محصول ابهام است نشانه‌ای از عملکرد فن‌سالارانه است. دکتر ثقفی معتقد است محافظه‌کاری یعنی برخورد دوگانه با مسائل. حسابداران هرگاه با ابهام روبه‌رو می‌شوند محافظه‌کاری را به کار می‌برند. مفهوم فزونی منافع بر مخارج نیز از مصادیق کارکردهای فن‌سالارانه است. گرفتاری در دام هزینه- منفعت در واقع فاصله گرفتن از کارکردهای رویش فکری است.

نتیجه‌گیری:

فرآیند تولید علم از جمله حسابرسی، در سال‌های اخیر در کشور عزیزمان ایران شتاب گرفته و باید شتابان‌تر شود. دستیابی به این مهم نیازمند رویشفکرانی است که در شرایط فعلی متوقف نشوند، خلاقیت و ایده‌های نو داشته باشند تا جامعه حرفه‌ای را از رکود علمی رها سازند. آنگاه که نظریه‌ها و ایده‌های نوینی توسط رویشفکران عرصه حسابداری مطرح شد نیازمند تربیت نسلی از فن‌سالارها خواهیم بود تا اندیشه‌ای نو اما آزمون نشده را به بوته آزمون و عمل بسپارند.

راز و رمز دستیابی به این موارد منوط به آگاهی حسابداران از نقش و جایگاه خود و در مرحله بعد مرهون از خود گذشتگی اعضای این جامعه است. همچنان که گذشتگان این حرفه از بخشی از ثروت بالمقوه خود گذشته و با گذشتن از سد برخی هنجارها، زمینه را برای ارتقای علم حسابداری و کار بست آن در بستر اقتصادی فراهم کردند آنان نیز باید پیاموزند که در بعضی مواقع باید از سد هنجارهای پذیرفته شده بگذرند و خود را از قید برخی اصول، عقاید و محدودیت‌هایی که بر آنان تحمیل می‌شود برهانند تا زمینه را برای تثبیت و ارتقای نقش و جایگاه حرفه فراهم سازند.

همچنان که دیدیم (وبه آن مفتخریم) بیشتر اصول و مفاهیم، عقاید و ویژگی‌های حرفه و دانش حسابداری مفاهیمی نوین بوده و دارای کارکرد رویشفکرانه اند تا فن‌سالارانه و این امر کمک خواهد کرد تا حسابداران علاوه بر ایفای تعهدات و رفتار منطبق با نقش و جایگاه خود در جامعه زمینه‌های رشد و مشارکت جامعه را نیز فراهم آورند.

